

تحلیلی بر روند آمار بزرگسالان ازدواج نکرده طی سه سرشماری اخیر

محمود بحرانی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی آمار افراد هرگز ازدواج نکرده و تحلیل روند تغییرات آن طی سه سرشماری اخیر (۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) به اجرا در آمده است. پژوهش حاضر از نوع پیمایش اسنادی است و جامعه آماری آن را سرشماری کل کشور تشکیل می‌دهد. داده‌های سرشماری از درگاه اینترنتی مرکز آمار ایران استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. داده‌های مربوط به افراد ازدواج نکرده شهری و روستایی در دو مقطع سنی ۳۹-۳۵ سال و ۶۰ ساله به بالا در این تحلیل‌ها مد نظر قرار گرفتند. نتایج بدست آمده حاکی از افزایش قابل توجه در صد افراد هرگز ازدواج نکرده سنین ۳۹-۳۵ سال طی ده سال اخیر است، بطوری که در صد افراد هرگز ازدواج نکرده تقریباً دو برابر شده و در کل جمعیت ایران از میزان ۵/۵۳ در صد در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۱۹ در صد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این تغییرات برای جمعیت شهری حدوداً ۴ برابر و برای جمعیت روستایی تقریباً دو برابر بوده است. همچنین رشد آمار زنان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ سال بطور کلی بیش از مردان بوده است. این تغییرات نرخ رشد جمعیت و میزان تجرد قطعی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با این وجود در آمار افراد هرگز ازدواج نکرده سنین ۶۰ سال به بالا تغییر چشم‌گیری مشاهده نمی‌شود. شاید دلیل آن فاصله زمانی ۲۰ ساله برای رسیدن موج رخداد تجرد در چهل سالگی به ۶۰ سالگی و پیش‌آمد تجرد قطعی و یا ناباروری باشد. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود در ده‌های آتی نرخ باروری کاهش یابد و همچنین میزان تجرد قطعی بویژه در زنان کشور افزایش قابل توجهی داشته باشد که هر دو نتیجه به لحاظ جمعیت‌شناختی و آسیب‌شناسی اجتماعی رویدادهای نامیمونی خواهند بود.

کلید واژه‌ها: ازدواج، ازدواج نکرده، تجرد قطعی، ناباروری، تغییرات آماری.

مقدمه

جوانان، کنشگران اصلی عرصه توسعه و تغییرات اجتماعی هستند. آنها نه تنها آینده‌سازان کشور بلکه جزء اصلی زمان حال و جامعه کنونی‌اند. تمرکز بر جوانان توسط دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای بین‌المللی بازتاب این نکته است که جوانان نه تنها به‌عنوان منبع اصلی توسعه محسوب می‌شوند، بلکه آنها منبع مهمی از مسائل و چالش‌های معاصر نیز هستند (صادقی، عباسی و محمودیان، ۱۳۹۴). یکی از چالش‌های امروز جامعه افزایش سن ازدواج (ازدواج‌های دیررس) در بین جوانان است که اثرات نامیمونی در پی دارد و برخی از آنها از سوی محققان گوشزد شده است: "تغییر الگوهای زاد و ولد، دگرگونی‌هایی در ساختار خانواده، پیدایش تضاد بین‌نسلی، تغییر الگوهای رفتاری افراد و به عبارتی افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در

^۱ - استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، mbahrani@shirazu.ac.ir

سالی و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده، پایین آمدن عمومیت ازدواج (در صد هم‌سرداری)، افزایش تجرد قطعی، نابسامان‌هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، گسترش روابط نامشروع خارج از چارچوب خانواده، بحران میل جنسی و ... " (کاوہ فیروز، کاضمی پور و رنجبر (۱۳۹۳). افزایش میانگین سن ازدواج، به تأخیر انداختن ازدواج، کاهش باروری و افزایش میزان طلاق بیانگر تحولاتی است که در زمینه ازدواج در ایران به وقوع پیوسته است. ساختار جمعیتی جامعه می‌تواند مستقیماً بر وضعیت ازدواج در جامعه تأثیر بگذارد، با این حال اجماع نظر نسبی بیانگر تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی در وضعیت ازدواج زنان است (کاضمی پور و احمدی، ۱۳۹۰). این شواهد که گویای شرایط امروز جامعه ایران است، تأخیر در ازدواج را بر جوانان تحمیل کرده است، از این رو توجه به پیامدهای این پدیده اجتماعی یک نیاز تحقیقاتی مهم در این عرصه به حساب می‌آید.

ازدواج به عنوان یک قرارداد اجتماعی، پیامدهای فردی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیت‌شناسی و فرهنگی بسیاری دارد و از این‌رو همواره از زوایای گوناگون مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. به تأخیر افتادن ازدواج نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد. افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر پدیده‌ای است که از جنبه فردی، جمعیت‌شناسی و فرهنگی پیوسته توجه محققان و کارشناسان این حوزه‌ها را به خود جلب نموده و عوامل اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی آن را برجسته ساخته است. سرشماری‌های آماری یکی از منابع مهم بررسی آمارهای گوناگون از جمله تحولات جمعیتی مرتبط با ازدواج است. در پژوهش حاضر با استناد به آمارهای برگرفته از سه سرشماری گذشته، تحولات سنی افراد ازدواج نکرده طی این دوره ۱۰ ساله مورد مطالعه قرار گرفته است. این آمارها معطوف به دو مقطع زمانی حساس است، یکی سنین ۳۹-۳۵ سال که مجرد ماندن تا این سن می‌تواند بر فرصت همسرداری و میزان باروری اثر جدی بگذارد، و دیگری سنین ۶۵ سال به بالا که احتمال از دست رفتن فرصت‌های ازدواج برای همیشه و تجرد قطعی وجود دارد. زنان در مقایسه با مردان محدودیت‌های بیشتری در زمینه ازدواج و فرزندآوری دارند از این رو این حساسیت نسبت به جمعیت زنان هرگز ازدواج نکرده بیشتر جلب توجه می‌کند.

پیشینه تحقیق

برای بسیاری مردم ازدواج به عنوان معنادارترین بخش زندگی است، در واقع ازدواج موفق شبیه رسیدن فرد به تمام آرزوهایش می‌باشد (بریجمن، ۲۰۰۸، به نقل از ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵). اما سن ازدواج یک متغیر مهم در فرایند ازدواج و باروری است که از قدیم مورد توجه جمعیت‌شناسان بوده است. امین‌زاده (۱۳۴۹) می‌گوید "وقتی که سن ازدواج بالا می‌رود باروری زن به سرعت رو به کاهش می‌گذارد، این امر به دو علت است: اولاً تعداد بچه‌های یک زن بطور و ضوح بستگی به طول سال‌های ازدواج دارد و با بالا رفتن سن ازدواج تعداد بچه‌ها کمتر می‌شود، ثانیاً درصد زنان نازا با بالا رفتن سن، افزایش می‌یابد. نازائی یک زن عبارتست از عدم توانایی برای زایمان و بدنیا آوردن کودک. بعضی زنان تمام عمر نازا هستند، بعضی در چهل سالگی و بعضی در پنجاه سالگی نازا می‌شوند." (ص ۱۰۱).

قدرت باروری زنان با افزایش سن آنها رو به کاهش می‌گذارد. حداکثر قدرت باروری زنان در فاصله ۲۵-۲۰ سال است که فاکتورهای مهمی مانند ذخیره تخمدان و پذیرش اندومتر در این امر دخیل هستند. طاهری‌پناه، امیرارجمند، افلاطونیان و کریم‌زاده میبیدی (۱۳۷۸) کاهش قدرت باروری در زنان سنین بالای ۳۵ را گزارش کردند. بر اساس نتایج مطالعه رازقی، عباسی شوازی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۱)، یکی از اصلی‌ترین تعیین‌کننده‌های زمان تولد اولین فرزند، سن ازدواج است. علاوه بر این، افزایش میانگین سن ازدواج و گسترش تجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده و به دنبال آن نابسامانی در سطح جامعه خواهد شد (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰).

افزایش سن ازدواج، افزایش سن باروری را نیز باعث می‌شود که می‌تواند خطراتی را برای مادر و کودک به همراه داشته باشد. سهرابی و رستمی (۱۳۸۷) با مقایسه دو گروه مادران باردار در سنین بالاتر و پایین‌تر از ۳۵ سال ارتباط معنی‌داری بین حاملگی بالای ۳۵ سال و هیپرتانسیون (پرفشاری خون) دوران بارداری و سقط جنین، و پایینی بودن وزن نوزادان در موقع تولد و آپکار دقیقه ۵ را در ۸ درصد موارد کمتر از ۷ مشاهده کردند. محققان دیگر نیز مشکلات مشابهی را گزارش کردند (بصیرت و حاجی احمدی، ۱۳۸۲؛ صفری، یزدان‌پناه و یزدان‌پناه، ۱۳۸۷).

محققان پیامدهای مثبت و منفی مجرد ماندن را از بعد روان‌شناختی و اجتماعی مد نظر قرار داده‌اند. معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) در یک پژوهش پدیدارشناسانه طی ۴۰ مصاحبه با دختران بزرگسال مجرد دریافتند تجرد برای آنها مزیت به حساب می‌آید چون دارای استقلال فردی و مالی و آزادی بیشتری هستند. اما مشکلاتی و تجارب تلخی نیز دارد، چرا که در سطح فردی احساس تنهایی و ناراحتی از مجرد ماندن، در سطح خانواده کشمکش‌هایی با اعضای خانواده و در سطح اجتماع و کار، مزاحمت‌ها، طعنه‌ها، نابرابری جنسیتی و یا دلسوزی‌های نابجای دیگران را تجربه می‌کنند. نتایج تحقیق کاوه‌فیروز و صارم (۱۳۹۶) روی نمونه‌ای از دختران مجرد شاغل در دانشگاه علوم پزشکی شیراز نشان داد که تقریباً ۶۱ درصد پاسخگویان به ازدواج نگرش مثبت و ۳۹ درصد نگرش منفی داشته‌اند.

نتایج بعضی تحقیقات نشان می‌دهد نرخ خودکشی در مردان هرگز ازدواج نکرده بیشتر از مردان ازدواج کرده است، و در مردان ازدواج کرده بدون فرزند بیش از مردان ازدواج کرده دارای فرزند است (کاترایت، استاک و فرنکوئیست، ۲۰۰۶)، و این وضعیت در زمان‌های خیلی دورتر مانند بررسی‌های دورکهایم در قرن نوزدهم هم سابقه دارد (همان منبع). بررسی آمار خودکشی مردان در کشورهای کانادا، استرالیا، آمریکا و ۹ کشور اروپائی طی سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ به وسیله کاترایت و همکاران (۲۰۰۶) نشان می‌دهد نرخ خودکشی در بین مردان ازدواج کرده نسبت به مردان هرگز ازدواج کرده در سنین ۲۵ تا ۶۴ سال به طور متوسط از ۰/۳۲ تا ۰/۳۸ و در سنین ۶۵ به بالا ۰/۴۶ بوده است. این نتایج در راستای فرضیه گیبز و مارتین (۱۹۶۴) مبنی بر اینکه افراد در شرایط ناسازگار انسجام کمتری نسبت به وضعیت سازگاران دارند ارزیابی شده است. وضعیت سازگار یعنی منطبق با محدودیت‌های مورد انتظار جامعه، و وضعیت ناسازگار یعنی تعارض نقش. طبق همین گزارش بطور متوسط ۶۸ درصد مردان جمعیت یاد شده در سن ۶۵ سالگی و بالاتر ازدواج کرده و بقیه مجرد مانده بودند.

در بحث از میزان ازدواج نکرده‌ها مفاهیمی مانند تجرد قطعی و عمومیت ازدواج و نیز مضیقۀ ازدواج هم مورد توجه قرار می‌گیرد. در گزارش معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به نقل از مرکز آمار ایران، آمده است: "شاخص تجرد قطعی بیانگر نسبت کسانی است که هرگز ازدواج نمی‌کنند. نرخ تجرد قطعی عبارت است از میانگین تجرد گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله برای زنان و ۵۰ تا ۵۴ ساله برای مردان و عکس شاخص عمومیت ازدواج است. عمومیت ازدواج درجه رواج ازدواج را در جامعه نشان می‌دهد. نسبت افرادی که تا سن ۵۰ سالگی دست کم یک بار ازدواج کرده‌اند از شاخص‌هایی است که در تعیین عمومیت ازدواج به کار برده می‌شود." (گزارش وضعیت زنان و خانواده در آیینۀ آمار طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰، ص. ۷). "در سال ۱۳۹۰ نرخ خام ازدواج های ثبت شده در کشور رقم 11.6 در هزار را نشان می‌دهد. به عبارتی در مقابل هزار نفر جمعیت در کشور، 11.6 رویداد ازدواج به ثبت رسیده است. این شاخص در سال 1394 با 2.9 در هزار کاهش به رقم 8.7 در هزار نفر جمعیت رسیده است. این کاهش را می‌توان علاوه بر بررسی در علل و عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در تغییرات ساختاری جمعیت و حجم جمعیت واقع در سن ازدواج جستجو کرد. بر اساس آمارها نرخ ثبت ازدواج طی 40 سال گذشته با نوسانات قابل توجهی روبرو بوده است. بیشترین نوسان را در دهه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد هستیم. در دهه دوم آن، کشور روند رو به

افزایش را برای وقوع ازدواج تجربه کرده، به طوری که از رقم 8.0 در هزار در سال 1373 به رقم 10.8 در هزار در سال 1383 رسیده است. اما از نیمه دوم دهه سوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این روند سیر نزولی را طی کرده و از رقم 12.1 در سال 1389 به 8.7 در هزار نفر جمعیت در سال 1394 رسیده است. " (همان منبع، ص. ۲۲-۲۱). " بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، عمومیت ازدواج مردان کشور 99.12 درصد و عمومیت ازدواج در زنان 98.7 سال بوده است. این نسبت برای مردان در سال 1390 به 98.1 درصد و برای زنان؛ 97.2 درصد رسیده است. اگرچه این نسبت معمولاً در نزد مردان بیشتر از زنان است، اما در فاصله سال‌های 1385 تا 1390 عمومیت ازدواج در زنان کشور با کاهش بیشتری روبرو بوده است. " (منبع قبلی، ص. ۲۴).

از دیگر پدیده‌های جمعیتی مربوط به تحولات ازدواج، مضیقه ازدواج است که برای توصیف و توضیح تأثیر عدم توازن بین تعداد مردان و زنان که در سن ازدواج قرار دارند به کار رفته است (شوون، ۱۹۸۳). در یک تعریف ساده مضیقه ازدواج را می‌توان عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه). عدم تعادل در بازار ازدواج می‌تواند بر مبنای اینکه کدام جنس در مضیقه است دسته بندی شود. به نظر استیو و کبری دو نوع متمایز مضیقه ازدواج می‌تواند وجود داشته باشد ۱- افزایش تعداد زنان - کمبود مردان ۲- افزایش تعداد مردان - کمبود زنان. که هر یک از آنها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر بازار ازدواج داشته باشد. در خصوص وجود یا عدم وجود این پدیده در ایران و پیامدهای مترتب بر آن دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است برخی معتقدند که معضلی به نام تنگنای ازدواج در ایران وجود ندارد (کوشی، ۱۳۸۳)، برخی نیز بر وجود آن تأکید دارند و حتی درصد و تعداد افرادی که با وضعیت موجود به واسطه عدم تعادل نسبت جنسی ازدواج نمی‌کنند را محاسبه نموده‌اند (جعفری مزدهی، ۱۳۸۲، درودی و آقا، ۱۳۸۳؛ به نقل از کاظمی پور و احمدی، ۱۳۹۰).

صادقی و همکاران (۱۳۹۴) با مرور نظام‌مند تحقیقات انجام گرفته در حوزه جوانان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ نشانگر افزایش سن ازدواج و نسبت‌های مجرد در میان جوانان ایرانی بود. نتایج نشان داد نسبت دختران ازدواج نکرده تا ۳۰ سالگی از ۹ به ۲۶ درصد و برای پسران از ۱۸ به ۴۰ درصد افزایش یافته است. آنها در این باره می‌افزایند: "تجربه گذار جمعیتی نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه به ظهور انبوه جمعیت جوان و تورم جوانی جمعیت در اوایل قرن بیست و یکم منجر شد (ریندفوس ۱۹۹۱؛ کسنوز و کابمالان ۲۰۰۲؛ وستلی و چو، ۲۰۰۲؛ صالحی اصفهانی و ایگل، ۲۰۰۷). در این زمینه، دو چارچوب مفهومی و نظری به هم مرتبط مطرح و بسط یافته است؛ یکی جوانی به عنوان دوره فشرده جمعیت‌شناختی (ریندفوس، ۱۹۹۱) و دیگری گذار جوانی (کسنوز و کابمالان، ۱۹۹۸) است. هسته اصلی گذار جوانی، گذار جمعیتی است که با مفهوم تورم جوانی مشخص است و جمعیت‌شناسی جوانان محور اصلی مطالعات گذار جوانی است. همچنین تغییرات مرتبط با گذار جوانی در مرحله اول شامل تغییرات در گذار ازدواج و گذار تحصیلی و سپس در مرحله بعدی شامل تغییرات در بازار کار و مشارکت جوانان در نیروی کار است. امروزه، افزایش مدت تحصیل، تأخیر در ورود به بازار کار و همچنین مشکلات تهیه مسکن و مانند آن موجب شده است تا جوانان دیرتر ازدواج کنند و گذار به بزرگسالی با مسائلی برای جوانان، خانواده‌ها و جامعه همراه باشد که نیازمند مطالعه و پژوهش است."

حسینی و گراوند (۱۳۹۲) در تحقیق خود پیرامون سن مناسب ازدواج ضمن تأیید اثرات نوسازی الگوهای سنتی بر پدیده افزایش سن ازدواج، تفاوت‌های فرهنگی و قومی را نیز در این باره خاطر نشان ساخته‌اند. پیمایش دیگری توسط آقایی و طاهری بنچناری (۱۳۹۲) نشان داد که بین درآمد خانوار و نگرش به سن ازدواج رابطه معنادار وجود نداشت اما بین متغیر تحصیلات و نگرش به سن ازدواج در مورد دختران رابطه معنادار وجود دارد ولی در مورد پسران ندارد، در مورد متغیر دینداری و نگرش به سن

ازدواج در هر دو جنس رابطه منفی وجود دارد. در مورد اشتغال فرد و نگرش به سن ازدواج نیز در مورد هم دختران و هم پسران رابطه معنادار بود. همچنین بین پایگاه اجتماعی خانواده و نگرش به سن ازدواج در مورد دختران رابطه وجود دارد. هر چه پایگاه اجتماعی خانواده دختران بالاتر باشد به همان میزان سن ازدواج آنها بالاتر می‌رود. اما در مورد پسران رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی خانواده و نگرش آنها به سن ازدواج وجود ندارد. ولدخانی، محمودپور، فرحبخش و سلیم بجستانی (۱۳۹۵) در تحقیق خود تأثیر منفی ازدواج در سنین نوجوانی و ازدواج بر اساس سبک‌های هم‌سرگزینی‌ای که به نوعی با اجبار همراهند بر کیفیت زندگی زناشویی را نشان دادند. همچنین در این پژوهش نشان داده شد که تفاوت سنی زوجین تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی زناشویی ندارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایش اسنادی بوده و داده‌های آن از آمارنامه‌های مرکز آمار ایران بدست آمده‌اند. این کار با مراجعه به درگاه اینترنتی مرکز آمار ایران^۲ و جستجو در جداول مربوط به اطلاعات ثبت شده جمعیت در باره جمعیت هرگز ازدواج نکرده انجام گرفت. اطلاعات آماری مورد تحلیل در این پژوهش برگرفته از داده‌های سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ می‌باشند که جامعه آماری تحقیق را تشکیل داده‌اند. تحلیل‌های آماری به عمل آمده روی داده‌ها و ترسیم جدول و نمودارها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است.

یافته‌ها

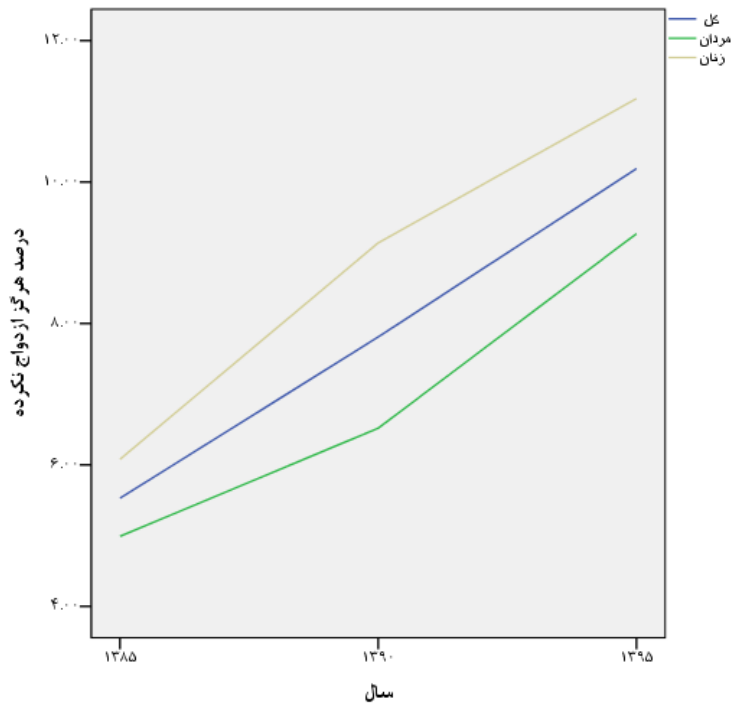
در جدول ۱ میزان و درصد فراوانی زنان و مردان هرگز ازدواج نکرده برگرفته شده از سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به تفکیک دو مقطع سنی ۳۹-۳۵ سال و ۶۵ سال به بالا و نقاط شهری و روستایی ارائه شده است. اطلاعات مندرج در این جدول سپس به صورت نمودار درصد فراوانی‌ها در نمودارهای بعدی مورد مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۱- مقایسه جمعیت هرگز ازدواج نکرده برحسب سن و جنس در نقاط شهری و روستایی در سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

شرح	سن	جمع کل	جمع کل ازدواج نکرده	درصد کل ازدواج نکرده	مرد			زن		
					جمع	هرگز ازدواج نکرده	درصد ازدواج نکرده	جمع	هرگز ازدواج نکرده	درصد ازدواج نکرده
1385	35-39	4915688	271724	5.53	2511545	125338	4.99	2409579	146396	6.08
	65 ساله و بیشتر	3652045	29179	0.80	1928384	13832	0.72	1728207	15347	0.89
	35-39 شهری	3593610	108117	3.01	1844232	101120	5.48	1749378	97997	5.60

0.98	10833	1110635	0.76	9018	1189493	0.86	۱۹۸۵۱	2300128	۶۵ ساله و بیشتر		
7.33	48190	657384	3.63	24050	664694	5.46	۷۲۲۴۰	1322078	35- 39		
0.73	4495	615936	0.65	4781	735981	0.69	9276	1351917	۶۵ ساله و بیشتر	روستایی	
9.14	248484	2719003	6.52	185660	۲۸۴۸۶۳۷	۷/۸۱	434144	5560710	35- 39		
0.85	18260	2153993	0.71	15162	۲۱۴۰۰۹۴	۰/۷۸	33422	4294087	۶۵ ساله و بیشتر	جمع	
8.29	165323	1993761	7.15	149190	۲۰۸۵۶۶۵	۷/۷۳	314513	4072496	35- 39		
0.94	13905	1472685	0.79	11269	1424735	0.87	25174	2897420	۶۵ ساله و بیشتر	شهری	1390
11.47	83161	725242	4.78	36470	762972	8.04	119631	1488214	35- 39		
0.64	4355	681308	0.54	3893	715359	0.59	8248	1396667	۶۵ ساله و بیشتر	روستایی	
11.18	363444	3250185	9.27	321099	3465195	10.19	۶۸۴۵۴۳	۶۷۱۵۳۸۰	35- 39		
0.99	23665	2389762	0.60	14681	2465776	0.79	۳۸۳۴۶	۴۸۵۵۵۳۸	۶۵ ساله و بیشتر	جمع	
10.68	263323	2466052	21.67	717134	3309130	16.98	525354	5775182	35- 39		
1.11	18843	1690945	0.63	11017	1752293	0.87	29860	3443238	۶۵ ساله و بیشتر	شهری	1395
12.76	99798	782439	7.43	59391	799362	10.06	159189	1581801	35- 39		
0.69	4809	697022	0.51	3641	712394	0.60	8450	1409416	۶۵ ساله و بیشتر	روستایی	

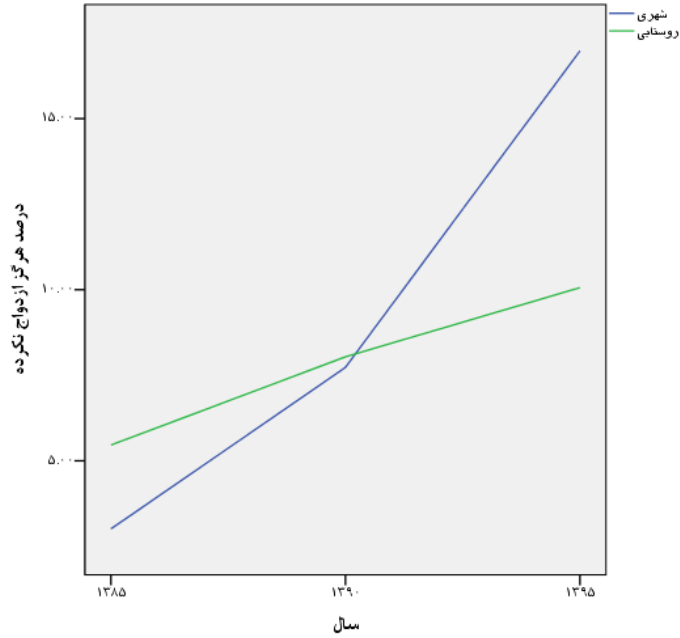
نمودار ۱ درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ را در سال‌های مختلف به تفکیک برای زنان و مردان نشان می‌دهد.



نمودار ۱ درصد افراد هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ ساله به تفکیک زنان و مردان در سال‌های مختلف

نمودار ۱ نشان می‌دهد که با گذشت زمان طی ده سال گذشته فراوانی افراد هرگز ازدواج نکرده (هم زنان و هم مردان) در سنین ۳۹-۳۵ سالگی به حدود دو برابر افزایش یافته است. همچنین طبق این آمار، فراوانی زنان ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ ساله در هر سه مقطع زمانی از مردان بیشتر بوده است.

نمودار ۲ درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ را برای مقاطع زمانی مختلف به تفکیک جمعیت شهری و روستایی نشان می‌دهد.

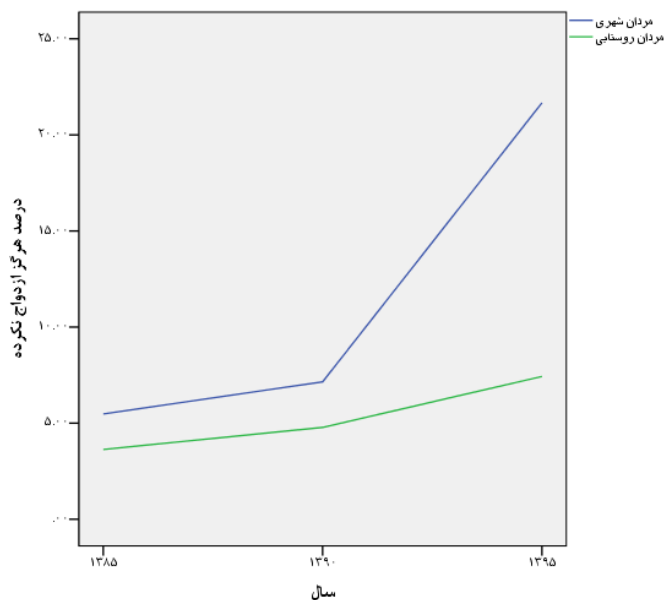


نمودار ۲ درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ را در سال‌های مختلف به تفکیک جمعیت شهری و روستایی

نمودار ۲ نشان می‌دهد که با گذشت زمان افزایش درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ سالگی شهرنشین نسبت به جمعیت روستایی شتاب خیلی بیشتری داشته و طی این ده سال بیش از سه برابر شده، یعنی از ۳/۰۱ درصد به ۱۶/۹۸ درصد افزایش یافته است. درصد افراد هرگز ازدواج نکرده روستایی نیز با افزایش ۴/۶ درصدی از ۵/۴۶ به ۱۰/۰۶ رسیده و نزدیک به دو برابر شده است.

نمودار ۳ درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ را در سال‌های مختلف به تفکیک جمعیت شهری و روستایی

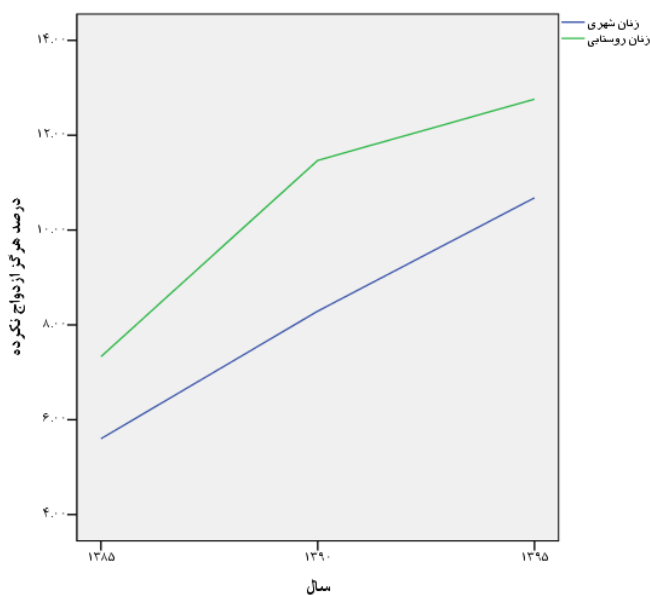
نشان می‌دهد.



نمودار ۳ درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ در سال‌های مختلف به تفکیک شهری و روستایی

نمودار ۳ نشان می‌دهد که با گذشت زمان در هر دو گروه درصد مردان هرگز ازدواج نکرده با شیب ملایمی افزایش یافته است. اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در جمعیت شهرنشین نسبت به جمعیت روستایی در صد مردان هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ سال با شتاب خیلی بیشتری افزایش یافته و طی این دوره ده ساله تقریباً چهار برابر شده است. عمده این افزایش‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رخ داده است.

نمودار ۴ در صد زنان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ را در سال‌های مختلف به تفکیک جمعیت شهری و روستایی نشان می‌دهد.

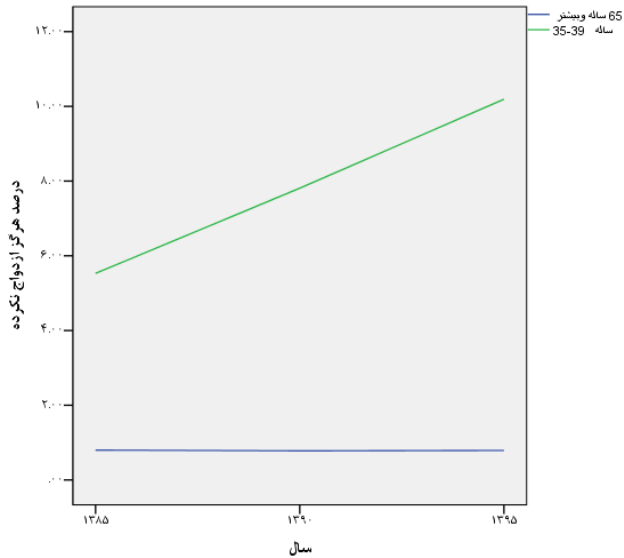


نمودار ۴ درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ در سال‌های مختلف به تفکیک شهری و روستایی

نمودار ۴ نشان می‌دهد که با گذشت زمان در هر دو گروه درصد زنان هرگز ازدواج نکرده با شیب قابل توجهی افزایش یافته است. اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در جمعیت شهرنشین نسبت به جمعیت روستایی افزایش درصد زنان هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ سال بیشتر بوده است.

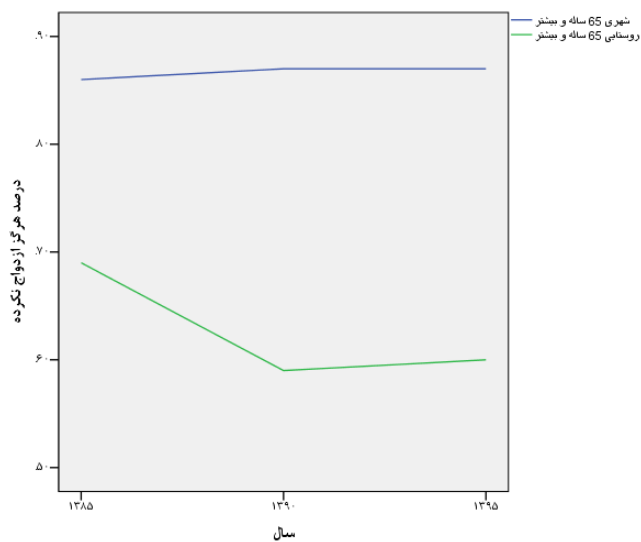
به این ترتیب براساس سه نمودار بالا، در پنج ساله منتهی به ۱۳۹۵ میزان افراد ازدواج نکرده زن و مرد در جمعیت شهرنشین نسبت به جمعیت روستایی رشد بیشتری داشته است.

نمودار ۵ به مقایسه در صد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ و ۶۵ ساله و بیشتر می‌پردازد. طبق این نتایج درحالی که درصد افراد ازدواج نکرده سنین ۳۹-۳۵ طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به حدود دو برابر افزایش یافته است، اما در آمار افراد ازدواج نکرده سنین ۶۵ سال و بیشتر تغییر محسوسی بوجود نیامده است.



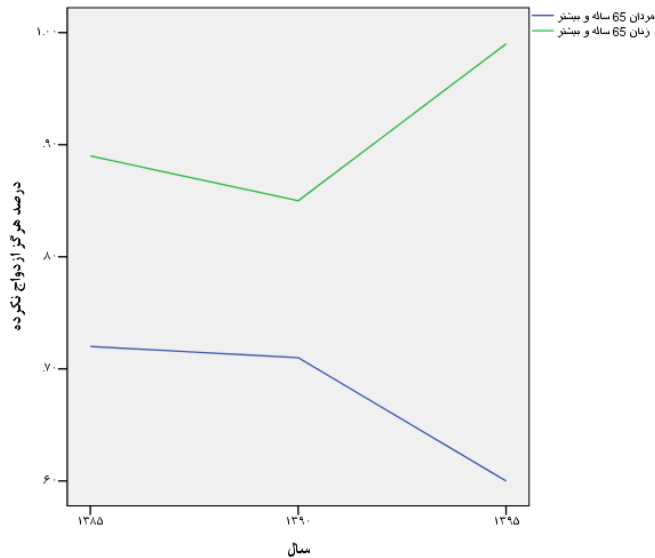
نمودار ۵ درصد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ و ۶۵ ساله و بیشتر در سال‌های مختلف

نمودار ۶ به مقایسه در صد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر در نقاط شهری و روستایی می‌پردازد. این نتایج نشان دهنده تغییرات اندکی در کاهش میزان افراد ازدواج نکرده روستایی در سنین ۶۵ سال و بیشتر است.



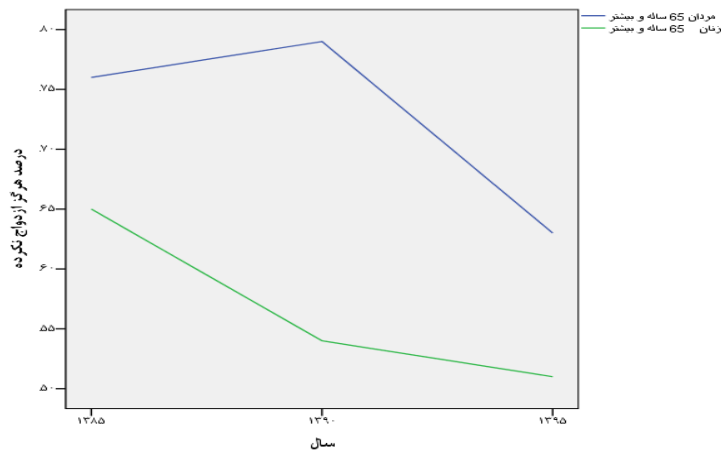
نمودار ۶ درصد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ و ۶۵ ساله و بیشتر در سال‌های مختلف

نمودار ۷ به مقایسه در صد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر در میان زنان و مردان می‌پردازد. این نتایج نشان دهنده تغییرات اندکی در افزایش درصد زنان و کاهش درصد مردان ازدواج نکرده سنین ۶۵ سال و بیشتر از سال ۱۳۹۰ به ۱۳۹۵ است.



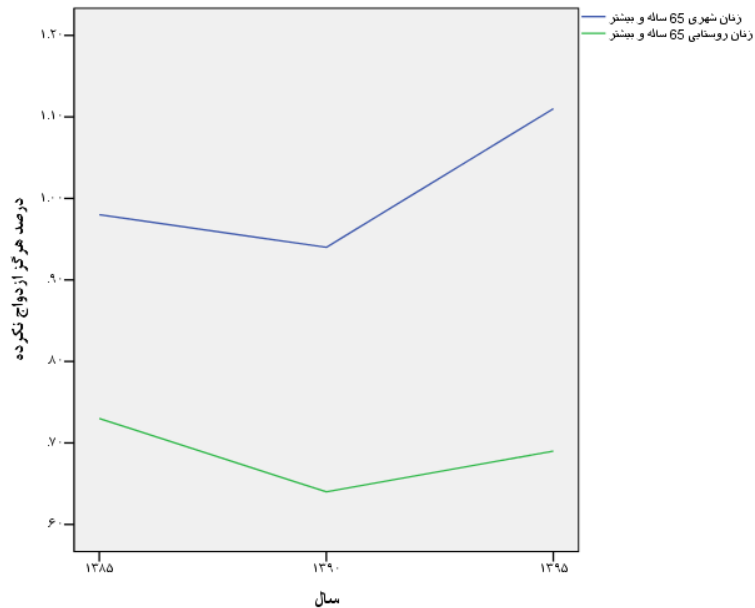
نمودار ۷ درصد جمعیت هرگز ازدواج نکرده ۳۹-۳۵ و ۶۵ ساله و بیشتر در سال‌های مختلف

در نمودار ۸، درصد مردان هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر روستایی و شهری مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. این نمودار ضمن اینکه نشان می‌دهد با گذشت زمان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در هر دو گروه اندکی کاهش رخ داده است، همچنین نشان می‌دهد مردان شهری ازدواج نکرده اندکی بیشتر از مردان روستایی بوده‌اند، هر چند این تفاوت جزئی است.



نمودار 8 درصد مردان هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر در سال‌های مختلف به تفکیک روستایی و شهری

در نمودار ۹، درصد زنان هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر روستایی و شهری مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. این نمودار ضمن اینکه نشان می‌دهد درصد فراوانی زنان شهری ازدواج نکرده سنین ۶۵ سال و بیشتر در مقایسه با زنان روستایی بیشتر است، همچنین گویای افزایش اندکی در آمار از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در هر دو گروه است.



نمودار ۹ درصد زنان هرگز ازدواج نکرده ۶۵ ساله و بیشتر در سال‌های مختلف مختلف به تفکیک روستایی و شهری

بحث و نتیجه‌گیری

از جمع بندی دو دسته آمارهای مربوط به فراوانی درصدی افراد هرگز ازدواج نکرده گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله و گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر در می‌یابیم که درصد افراد ازدواج نکرده در سنین ۳۹-۳۵ طی این دوره ۱۰ ساله افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما درصد افراد هرگز ازدواج نکرده گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر تغییرات جزئی را نشان می‌دهد که افزایش اندکی در میزان تجرد زنان شهری را شاهد هستیم. بر این اساس به نظر می‌رسد تغییراتی در نرخ ازدواج جوانان اتفاق افتاده و در نتیجه آن میزان تأخیر در ازدواج در حال افزایش است و ممکن است برای عده‌ای بخصوص زنان جامعه فرصت ازدواج محدود باشد و یا در صورتی که بعد از این سن ازدواج کنند دست کم فرصت فرزندآوری در آنها محدود گردد زیرا حداکثر قدرت باروری زنان در فاصله ۲۰-۲۵ سالگی است و در سنین بالای ۳۵ سال قدرت باروری کاهش می‌یابد (طاهری‌پناه، امیرارجمند، افلاطونیان و کریم زاده میبدی، ۱۳۷۸).

هرچند افراد در سنین بالای ۳۵ سال هنوز فرصت ازدواج دارند و به احتمال زیاد بخش قابل توجهی از آنها ازدواج خواهند کرد، اما انتظار می‌رود بخشی نیز این فرصت را از دست بدهند و برای همیشه مجرد بمانند. پیش‌بینی می‌شود با ادامه این روند شاهد افزایش میزان تجرد قطعی و از دست رفتن فرصت ازدواج برای همیشه در دو دهه بعد باشیم. در صورتی که تحولات اجتماعی خاصی اتفاق نیافتد در آینده میزان افراد سالخورده‌ای که نه ازدواج کرده‌اند و نه فرزندی دارند افزایش خواهد یافت و این موضوع ممکن است فشار اجتماعی، عاطفی و بهداشتی بر جامعه را در زمینه حمایت از سالمندان در پی داشته باشد. دلیل اینکه این روند هنوز بر آمار سنین ۶۵ ساله و بیشتر تأثیری نگذاشته است می‌تواند ناشی از فاصله حدود ۲۰ ساله بین این دو دوره سنی باشد تا اثر تأخیر در ازدواج در دوره جوانی به دوره سالخوردگی منتقل شود. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که بارداری در سنین بالای ۳۵ سال خطراتی برای مادر و کودک به همراه دارد (صفری، یزدان‌پناه و یزدان‌پناه، ۱۳۸۷؛ سهرابی و رستمی، ۱۳۸۷؛ بصیرت و حاجی احمدی، ۱۳۸۲) که در جای خود بسیار با اهمیت است.

شواهد مربوط به دوره‌های قبل نیز حاکی از شکل‌گیری روند تأخیر در ازدواج از سال‌های گذشته است، چنانکه کاظمی‌پور و احمدی (۱۳۹۰) گزارش کرده‌اند همسرمداری در سرشماری ۱۳۸۵ نسبت به سرشماری ۱۳۷۵ در همه گروه‌های سنی بویژه دو گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله برای هر دو جنس کاهش یافته است، و این تغییرات را بیانگر افزایش سن ازدواج و به تأخیر انداختن سن ازدواج دانسته‌اند و در باره علل آن، می‌افزایند کاهش نسبت هم‌سرمداری در دو جنس در جامعه ایرانی به ویژه در مورد دختران واقعیتی است که از مجموعه عوامل تأثیرگذار در توسعه به ویژه میزان آموزش متأثر شده است و بخشی از آن متأثر از تحولات ساختاری جمعیت است که منجر به مزیقه ازدواج (عدم توازن بین تعداد مردان و زنانی که در سن ازدواج قرار دارند) می‌شود.

در تبیین تغییرات مربوط به الگوی ازدواج (بالا رفتن سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی و...) پژوهشگران به عواملی مانند صنعتی شدن (گود، ۱۹۶۳)، افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده (بکر، ۱۹۸۵)، افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنان (وان دی‌کا، ۱۹۸۷) و تغییر در نگرش و ارزش‌های جوانان (لسستانی، ۱۹۸۳) اشاره می‌کنند (به نقل از آقا، ۱۳۸۳). رازقی، عباسی شوازی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۱) همچنین دسترسی زنان به تحصیلات را روی زمان تولد اولین فرزند مؤثر دانسته‌اند و می‌افزایند، عواملی مانند میزان باسوادی بر فاصله ازدواج تا اولین تولد نیز اثر دارد. کاوه‌فیروز و همکاران (۱۳۹۳) در این باره به جریان نوسازی و گذار دوم جمعیتی، اشاره نموده و نشان دادند متغیرهای استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اختلاف نگرش با والدین، توقعات اجتماعی، و تسهیل روابط بین دختر و پسر، دوستی قبل از ازدواج، و مقطع تحصیلی اثر مستقیم و درخور توجهی بر سن ازدواج دختران داشته و نیز درجه توسعه یافتگی زادگاه جغرافیایی محل سکونت به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای واسطه بر افزایش سن ازدواج دختران تأثیرگذار بوده است. در بررسی آنان پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین و توقعات اقتصادی اثرات کم‌رنگ‌تری بر افزایش سن دانشجویان دختر داشتند.

نتایج تحقیق سبکتکین ریزی، محمودیانی و اکبری (۱۳۹۳) در باره مقایسه تعیین‌کننده‌های سن ازدواج در روستا و شهر نیز نشان داد که سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، پایگاه خانوادگی و سن والدین هنگام ازدواج اثر معناداری بر سن ازدواج شهری ها دارد. در تحلیل چند متغیره با کنترل سایر متغیرها و متغیر جنس، سن والدین هنگام ازدواج معناداری خود را از دست داد اما سایر متغیرها معناداری خود را حفظ کردند. همچنین در مورد روستائیان سطح تحصیلات و پایگاه خانوادگی افراد رابطه معناداری با سن ازدواج داشتند.

شواهد یاد شده گویای این است که بخشی مهمی از تحولات ازدواج ناشی از تحولات اجتماعی و عوارض توسعه‌یافتگی جوامع در حال گذار به مدرنیته است. تمایل به تحصیلات عالی و تفاوت در نگرش‌های جوانان به ازدواج نسبت به نگرش‌های سنتی و تعارضاتی ناشی از آن از یک سو و فشارهای اقتصادی دهه‌های اخیر در زندگی ایرانیان از سوی دیگر در افزایش سن ازدواج و همچنین افزایش مجرد سهیم هستند. تغییر در الگوهای ازدواج از سنتی به مدرن محدود به جامعه ایران نیست و نمونه‌هایی از آن در همه جوامع دیده می‌شود به طور مثال نگوین (۱۹۹۷) از تأثیر افزایش سطح تحصیلات و استقلال اقتصادی در ویتنام به عنوان عوامل این تغییر نام می‌برد و مال‌هوترا، تسویی و سیلوا (۱۹۹۲) به فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی در سریلانکا اشاره می‌کند. نتایج پژوهش حاضر روند هشدار دهنده تحولات ازدواج را با تمرکز بر آمار افراد ازدواج نکرده در یک مقطع سنی حساس به نمایش گذاشته است، بررسی علل و عوامل این پدیده می‌تواند هدف تحقیقات تکمیلی در این حوزه قرار گیرد و ابعاد بیشتری از این مسأله را روشن نماید.

منابع

- آقا، هما، ۱۳۸۳، بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت های جنسی در سنین ازدواج در ایران، دومین همایش/انجمن جمعیت شناسی/ ایران، شیراز، انجمن جمعیت شناسی ایران، دانشگاه شیراز، بازیابی شده از: https://www.civilica.com/Paper-PSRC02-PSRC02_012.html تاریخ بازیابی: ۱۳۹۶/۹/۱۸
- آقای سعید و طاهری بنچناری رویا (۱۳۹۲). نگرش جوانان به تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی موثر در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱). فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال سوم، شماره هشتم، ص. ۹۴-۷۵.
- بصیرت زهرا و حاجی احمدی محمود (۱۳۸۲). مقایسه فراوانی عوارض بارداری قبل و بعد از ۳۵ سالگی مادر. مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۱۹ (۳) ۳۹-۳۵.
- حبیب پور گنتابی کرم و غفاری غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، ص. ۷-۳۴.
- حسینی حاتم و گراوند مریم (۱۳۹۲). سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۱ (۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
- رازقی نصرآباد حجه بی بی، عباسی شوازی محمدجلال، قاضی طباطبایی سیدمحمود (۱۳۹۱). تحلیل چند سطحی عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹-۱۳۷۰. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان) دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۹۴-۵۵.
- سبکتکین ریزی، قربانعلی؛ محمودیانی گیلان سراج الدین و یونس اکبری (۱۳۹۳). تفاوت های روستا شهری سن ازدواج و تعیین کننده های آن (مورد مطالعه: افراد در شرف ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه). دومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه اطلاع رسانی نارکیش، بازیابی شده از سایت: https://www.civilica.com/Paper-SOCIOCONF_۲-SOCIOCONF_۲_۰۵۰.html ۱۳۹۶/۹/۱۸
- سهرابی داود، رستمی حسین. ارتباط سن مادر با حاملگی وعوارض ناشی از آن. مجله پرستاری و مامایی ارومیه. ۱۳۸۷؛ ۶ (۱): ۷۹-۸۵. بازیابی شده از سایت: <http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-75-fa.html> at: 8:33 am, 1396/9/18
- صادقی رسول، عباسی شوازی محمدجلال و محمودیانی سراج الدین (۱۳۹۴). تورم جوانی جمعیت در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دهم، شماره نوزدهم، ۴۳-۹. بازیابی شده از: http://www.jpaiassoc.ir/article_۲۵۵۸۵_۵۸a۳۷۸ac۰۵۳c۶f۰۸f۵۷e۴۶۸d۰ecf۶b۲۲.pdf 1396/9/15
- صفری میترا، یزدان پناه بهروز، یزدان پناه شهرزاد (۱۳۸۷). میزان بارداری پر خطر و برخی عوامل مرتبط در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی ودرمانی شهر یا سوچ. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۳۰ (۲)، ۲۴-۱۸. بازیابی شده از سایت:
- <http://nmj.umsha.ac.ir/article-1-1051-fa.html> at: 9:50 am, 2017/11/8
- طاهری پناه ربابه، امیرارجمند محمد حسین، افلاطونیان عباس، کریم زاده میبیدی محمدعلی (۱۳۷۸). بررسی اثر افزایش سن زن در نتایج تزریق اسپرم به داخل اوو سیت (ICSI) در مقایسه با IVF. فصلنامه باروری و ناباروری، صفحات ۳۰-۲۴. بازیابی شده از سایت: <http://www.jri.ir/> at: 9:03 am, 2017/11/8
- کاوهر فیروز زینب، کاظمی پور شهلا و رنجبر مرتضی (۱۳۹۳). تعیین کننده های اجتماعی-جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه های تهران). زن توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۳، ۴۶۸-۴۴۹.

کاوہ فیروز زینب و صارم اعظم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه‌ی شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، ص. ۷۳-۹۵).

کاظمی پور شهلا و احمدی وکیل (۱۳۹۰). بررسی روند مضیقه ازدواج در ایران. همایش دوروزه تحلیل روندهای جمعیتی کشور. بازیابی شده از سایت:

تاریخ بازیابی: ۱۳۹۶/۹/۱۳ <https://www.amar.org.ir/Portals/۷/hamayesh-tahlil/۶.pdf>

گزارش و وضعیت زنان و خانواده در آیین آماری طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ تهیه و تنظیم: معاونت بررسی‌های راهبردی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. بازیابی شده از سایت:

تاریخ بازیابی: <http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/eitemaee/mostanad/ayene.pdf>

۱۳۹۶/۹/۱۳

معمار ثریا و یزدخواستی بهجت (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از تجرد، ۶ (۲)، ۱۷۲-۱۴۹. ولدخانی، محمودپور عبدالباسط، فرحبخش کیومرث و سلیمی بجستانی حسین (۱۳۹۵). تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زنان شوی شهر تهران. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، ص. ۱۹۰-۱۷۴.

ولدخانی مریم، عبدالباسط محمودپور، فرح بخش کیومرث و سلیمی بجستانی حسین (۱۳۹۵). تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زنان شوی شهر تهران، مطالعات روانشناسی بالینی، ۷ (۲۵)، ۱۹۳-۱۷۳.

Cutright, P., Stack, S. and Fernquist R. (2006). The Age Structures and Marital Status Differences of Married and Not Married Male Suicide Rates: 12 Developed Countries. Archives of Suicide Research, 10:365-382, DOI: 10.1080/13811110600791205. Retrieved from <http://panel.daneshgostar.org/isipapers.php in 15/11/2017>.

Malhotra, A., A. Tsui., & V. de Silva, (1992). "Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka", Unpublished Report. In www.popline.org.

Nguyen Hun, M (1997). "Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants", Asia-Pacific Population Journal, 12(2): p 49-74.

An Analysis of the Unmarried Adult Iranians' Statistics in the Three Recent Census

M. Bahrani

Abstract

The purpose of this study was to investigate the trend of never married people statistics during the last three censuses (2006, 2011 and 2016). The present study is a documentary survey and the statistical population was the census of the whole country. Census data are extracted from the Iranian Statistical Center Web and analyzed. Data on urban and rural unmarried residents in two age groups of 35-39 years old and 60 or older were considered in these analyzes. The results indicated a significant increase in the percentage of never married individuals aged 35-39 years old, over the past ten years, so that the percentage of never married people has almost doubled- from 53.5% in 2006 to 10.19% in ۲۰۱۶. These changes are approximately four times for the urban population and almost twice as much for the rural population. Also, the increase in the percentage of never married women aged 35-39 years old, was generally higher than that of men. These changes will affect the growth rate of the population and the amount of celibacy. However, there is no significant change in the percentage of people who are unmarried aged 60 or older. Perhaps the reason for this is the 20-year time-lapse will be needed to arrive at the age 60, to be definitive celibacy or infertile. Accordingly, it is anticipated that in the coming decades, the rate of barley will be reduced, as well as a significant increase in the amount of definite celibacy, especially in women, that both of which will be demographically and social pathologically inauspicious.

Key words: marriage, unmarried, definitive celibacy, infertility, statistical changes.